

دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم
سال ششم (۱۳۹۵)، شماره پانزدهم

مروری بر ابعاد تورات در آیین روایات اهل بیت (ع)

زهرا سادات قهاری^۱

محمدکاظم رحمان ستایش^۲

چکیده

اهل بیت (ع) به عنوان جامع علوم انبیاء سلف، در پاره‌ای از روایات خویش به بیان بخش‌هایی از تعالیم تورات پرداخته و یا در مناظرات خود با اهل کتاب به تورات آنان استناداتی داشته‌اند. از دیدگاه اهل بیت (ع)، تورات به صورت دفعی و در میقات بر حضرت موسی (ع) نازل شده است. در قرآن و روایات منظور از تورات، همان تورات حقیقی است و گاه به صورت مجازی بر اسفار موسی (ع) و نیز بر سایر اسفار عهد قدیم که نزد یهودیان هم عصر اهل بیت (ع) بوده، تورات گفته شده است. غالب ساختار و مفاهیم تورات عصر اهل بیت (ع) مطابق همین تورات کنونی بوده است؛ اما تغییراتی در برخی از تعالیم آن پس از ائمه نیز اتفاق افتاده است. شیوه اهل بیت رد یا پذیرش کامل تورات یهود نبوده است؛ بلکه برخی آموزه‌های آن را الهی دانسته و در اثبات حقانیت اسلام به آن استناد کرده‌اند و در گامی فراتر، برخی از مفاهیم از دست‌رفته تورات اصیل موسی (ع) را گزارش کرده‌اند. این نوشته تلاش می‌کند با استفاده از این روایات و تطبیق آن‌ها با عهد قدیم، بعضی از تعالیم اصیل تورات فعلی یهود و نیز برخی از متون از دست‌رفته تورات موسی (ع) را بازیابی کند.

واژگان کلیدی: تورات، اسفار خمسه، اهل بیت (ع)، روایات، اصالت.

۱. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث / z.ghahari@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم (نویسنده مسئول) / kr.setayesh@gmail.com

۱- مقدمه

تورات یکی از کتب آسمانی است که در گذر زمان در اثر دخالت جاهلان و ناهلان زنگار تحریف به خود گرفته و مفاهیم و حیانی آن با بسیاری از جعلیات آمیخته شده است. با جستجو در منابع روایی شیعه می‌توان گفت که بخشی از منقولات و احتجاجات اهل بیت به این کتاب و تعالیم آن اختصاص دارد. بر اساس این گروه از روایات می‌توان دیدگاه اهل بیت را درباره تورات تبیین کرد. در این حوزه سؤالات متعددی پیش روست از جمله اینکه لفظ «تورات» در روایات شیعه، ناظر به چه مصداقی است، تورات حضرت موسی (ع) یا نوشتار نزد یهود؟ آیا مطالبی از تورات اصیل حضرت موسی (ع) در تورات فعلی یهود باقی مانده است؟ آیا تورات فعلی همان تورات اهل کتاب زمان ائمه (ع) است؟ اگر پاسخ مثبت است نظر اهل بیت درباره تورات کنونی چیست؟ این نوشتار درصدد پاسخ به این پرسش‌هاست. قبل از تبیین دیدگاه اهل بیت ضروری می‌نماید ابتدا توضیحاتی درباره تورات کنونی در فرهنگ یهودی - مسیحی ارائه گردد.

۲- یهود و تورات

تورات نامی است که به پراهمیت‌ترین نوشتار یهود داده شده و به باور آنان به‌وسیله یهوه (خداوند) به موسی وحی شده است. تورات، مجموعه پنج سفر ابتدایی عهد قدیم یعنی اسفار پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثنیه است. این نوشته گاهی «اسفار پنج‌گانه» و «کتب پنج‌گانه موسی» نیز خوانده می‌شود. گاهی به دلیل اعتبار و اهمیت تورات، به همه عهد قدیم نیز تورات اطلاق می‌شود (شبللی، ۱۹۷۳، ص ۲۳۰)

غیر از این مفاهیم مدون، قوانین شفاهی دیگری نیز برای یهود وجود دارد که آن را تورات شفاهی گویند مثل «میشنا» (ظفر الاسلام خان، ۱۳۶۹، ص ۱۲۲) و تفسیر آن به نام «گمارا» که از مجموعه آن‌ها «تلمود» به وجود آمده است (شاهاک، ۱۳۷۸، ص ۸۳).

۲-۱- محتوای تورات

الف) سفر پیدایش: در این کتاب همان‌گونه که از اسمش پیداست، از پیدایش عالم هستی و انسان و ماجراهای بعضی از انبیا (ع) صحبت شده است.

ب) سفر خروج: این سفر درباره خروج بنی اسرائیل از مصر و وضعیت اسفناک و سرگردانی چهل ساله ایشان در بیابان به دلیل نافرمانی از خدا، سخن گفته است. ده فرمان^۱ در این مقطع از سوی خداوند به موسی (ع) داده شد (خروج، ۲۰: ۱-۱۷).

ج) سفر لاویان: این کتاب نام خود را از یکی از اسباط بنی اسرائیل یعنی سبط لاوی گرفته است. در این فصل درباره احکام کهنانت، وظایف کاهنان، هدایا و قربانی‌های ایشان سخن گفته است. از این رو عبرانیان آن را شریعت کاهنان می‌خوانند (هاکس، ۱۳۷۷، ص ۷۶۰).

د) سفر اعداد: این کتاب همان‌گونه که از نامش پیداست بیانگر سرشماری قوم بنی اسرائیل است؛ یکی در ابتدای کتاب و دیگری در انتهای آن. در این سفر برخی از احکام فقهی آمده است.

ه) سفر تثنیه: کلمه تثنیه به معنای تکرار است و این کتاب به این نام خوانده شده، زیرا شریعت موسی (ع) برای دومین بار تکرار می‌گردد. ماجرای این کتاب از پایان سرگردانی بنی اسرائیل آغاز می‌شود و با تعیین جانشینی موسی (ع) و مرگ وی پایان می‌پذیرد.

۲-۲- یهود و نزول تورات

آنچه از لابه‌لای متن تورات فعلی برمی‌آید این است که شریعت حضرت موسی (ع) به تدریج، متجاوز از چهل سال، از جانب خدا بر حضرت موسی (ع) نازل شده است. شواهد مختلفی از وحی بر موسی (ع) در اسفار پنج‌گانه وجود دارد که از زمان چراندن گوسفندان کاهن مدین در حوریب (خروج، ۳: ۱-۵) تا وفات موسی (ع) در سرزمین موآب (تثنیه، ۳۴: ۵) بالغ بر ۴۱ سال است. بر اساس عهد قدیم، نوشتن تورات توسط موسی (ع) و جمع آن در آخر عمر و هنگام اتمام شریعتش بوده است.

فرازی از سفر تثنیه که حاکی از نوشتن تورات توسط خود موسی (ع) و سپردن آن به کاهنان است بدین شرح است: «و موسی (ع) تورات را نوشت و آن را به کاهنان لاوی که صندوق عهد خداوند را برمی‌داشتند و به مشایخ اسرائیل سپرد. او به ایشان امر فرموده و گفت: این قوانین را در پایان هر هفت سال، یعنی در سالی که قرض‌ها بخشیده می‌شود، هنگام عید خیمه‌ها که تمام

۱. ده فرمان فهرستی از دستورات مذهبی است که از جانب خدا، بر موسی (ع) در محلی به نام کوه سینا وحی شد و به باور یهودیان، تمام احکام شریعت در همین فرمان‌ها ریشه دارد.

قوم اسرائیل در حضور خداوند در مکانی که او برای عبادت تعیین می‌کند جمع می‌شوند، برای آن‌ها بخوانید» (تثنیه، ۳۱: ۹-۱۱)

در نتیجه از امور مسلمی که درباره تورات از نظر یهود می‌توان گفت اینکه، آنان اعتقادی به نزول تورات به صورت دفعی بر حضرت موسی (ع) ندارند بلکه آن را وحی تدریجی از جانب خدا می‌دانند که به دست حضرت موسی (ع) نوشته شده است (توفیقی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۲) و الواحی که بر حضرت موسی (ع) نازل شده و در تورات فعلی بدان اشاره شده (تثنیه، ۵: ۲۲)، در واقع بخشی از تورات حضرت موسی (ع) است و نه همه آن.

۲-۳- نویسنده تورات فعلی

یکی از چالش‌های پیرامون تورات فعلی، نویسنده آن است. عده‌ای آن را نوشته حضرت موسی (ع) می‌دانند و عده‌ای نویسنده آن را، کسی غیر از موسی (ع) قلمداد می‌کنند: الف) تقریباً همه اهل کتاب معتقدند موسی (ع) تورات را تألیف کرد، به گونه‌ای که فرقه فریسیان از یهود در تأکید بر این عقیده، مخالف آن را مرتد دانسته‌اند (توفیقی، ۱۳۸۱، ص ۸۲). ب) در برابر این گروه، برخی از اندیشمندان غرب، این کتاب‌ها را نوشته بزرگان یهود می‌دانند. در واقع امروزه تحقیقات نقادان کتاب مقدس این نکته را نشان داده که کتاب موجود، چند قرن قبل از میلاد و قرن‌ها پس از حضرت موسی (ع) با استفاده از منابع مختلفی تألیف شده است (میشل، ۱۳۷۷، ص ۳۲)^۱. برای نمونه باروخ اسپینوزا - دانشمند و فیلسوف هلندی - (۱۶۳۲-۱۶۷۷م) با شواهد و ادله فراوانی از درون تورات کنونی اثبات کرده است که کتاب موجود هرگز نمی‌تواند نوشته حضرت موسی (ع) باشد بلکه قرن‌ها پس از آن حضرت نگاشته شده است (توفیقی، ۱۳۸۱، ص ۸۲ / سلیمانی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۷)^۲. وی با استناد به نحوه چینش کتب عهد قدیم در کنار هم و نوع ادبیات آن‌ها می‌گوید: «این کتب، در مجموع و با ترتیبی که بین آن‌ها وجود دارد، حاکی از آن است که آن‌ها را مؤلف واحدی به خاطر هدف معینی نوشته است» (اسپینوزا، ۱۳۷۸، ص ۱۰۰).

گفتنی است که سخنان اسپینوزا دلیلی بر اینکه وی تورات را قبول ندارد، نیست بلکه او معتقد است کتاب تورات که موسی (ع) آن را نوشته، این اسفار پنج‌گانه نیست، بلکه کتاب دیگری

۱. برای ملاحظه دلایل دو گروه ر.ک. هاکس، ۱۳۷۷، صص ۲۲۵-۲۲۷.

۲. در واقع اسپینوزا از سخنان منتقدی به نام ابراهیم بن عزرا (۱۰۸۹-۱۱۶۴م) که اشارات مبهمی به نقد تورات داشته و جرأت ابراز آن را نداشته، رمزگشایی می‌کند و مطالبی به آن می‌افزاید.

است متفاوت با این اسفار که نویسنده اسفار پنج‌گانه آن را لابه‌لای کتاب و در جای مناسب درج کرده است (همان، ص ۹۷). اسپینوزا معتقد است که یافتن مورخی که عهد قدیم را نوشته کار ساده‌ای نیست اما شواهد نشان می‌دهد که وی باید عزرا باشد (همان، ص ۱۰۱). در عهد قدیم عزرا به‌عنوان یکی از نوادگان هارون معرفی می‌شود (عزرا، ۷: ۱-۶) که پس از بازگشت بنی‌اسرائیل از بابل از تورات رونمایی می‌کند (نحمیا، ۸: ۱۸).

۳- اهل بیت و تورات

۳-۱- تورات و نزول

خداوند در آیات مختلف قرآن به نزول تورات و احکام آن بر موسی (ع) اشاره نموده است. در سوره اعراف داستان اعطای الواح تورات به موسی (ع) بیان شده است: «برای وی در الواح از هرگونه اندرزی و شرحی برای هر چیز نوشتیم [و گفتیم]: پس آن را محکم بگیر و قوم خود را فرمان ده که بهترینش را به‌کارگیرند» (اعراف: ۷/ ۱۴۵).

روایتی از رسول خدا (ص) به نزول تورات در الواح و به‌صورت دفعی اشاره دارد: «یزید بن سلام از پیامبر اکرم (ص) سؤال کرد چرا قرآن را فرقان نامیده‌اند. فرمود: زیرا آیات و سوره‌های آن متفرق است و به‌صورت الواح نازل نشده ولی سایر کتب از قبیل صُحُف و تورات و انجیل و زبور، تمام آن‌ها در الواح و اوراق نازل شده است» (ابن‌بابویه، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۷۰).

در دعایی از امام صادق (ع) خطاب به خداوند آمده است: «ای کسی که با موسی سخن گفتی و عصای آن را به اژدها تبدیل کردی و تورات را در الواح بر موسی نازل کردی» (ابن طاووس، ۱۳۶۷، ص ۶۴۰ / کفعمی، ۱۴۱۸، ص ۳۷۰). به نظر می‌رسد این الواح همان الواحی است که خداوند در آیاتی که گذشت بدان اشاره کرده و نزول الواح همان نزول تورات است.

برخی از مفسران در اینکه این الواح همان صحف موسی (ع) در سوره اعلی است تشکیک کرده‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵، ص ۳۲۳)؛ اما به نظر می‌رسد الواح موسی و صحف او یکی باشد زیرا در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که فرمودند: «آن صحفی که خدای تعالی در آیه ﴿صُحُفٍ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى﴾ (اعلی: ۸۷/ ۱۹) نام می‌برد، نزد ماست، راوی پرسید: آیا صحف نامبرده همان الواح است؟ فرمود: آری» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۲۵).

علامه طباطبایی ذیل این روایت می‌فرماید: ظاهراً مراد از الواح بودن صحف این باشد که صحف نامبرده همان تورات باشد که قرآن کریم در چند جا از آن تعبیر به الواح کرده است

(طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۲۷۱). بدین ترتیب می‌توان گفت با توجه به مجموع آیات قرآن و روایات، تورات در مجموعه‌ای از اوراق و الواح بر حضرت موسی (ع) نازل شده است.

۳-۲- کاربرد واژه تورات در قرآن و روایات

در آیات و روایات زیادی از تورات یاد شده است؛ اما منظور قرآن کریم و روایات از تورات چیست و از این اسم چه کتابی را در نظر دارند؟ تورات حقیقی یا تورات یهود؟ از مجموع آیات و روایات می‌توان دریافت که در ادبیات قرآنی و روایی مراد از تورات، در اکثر موارد، تورات واقعی و دست‌نخورده است اما در برخی موارد، به نوشتار نزد یهود نیز تورات اطلاق شده است. نمونه‌های این روایات در تقسیم‌بندی زیر ارائه می‌شود.

۳-۲-۱- تورات دست‌نخورده و بدون تحریف

«ما تورات را فرو فرستادیم که در آن هدایت و نور است» (مائده: ۵/ ۴۴). بدون شک این وصف تورات تحریف‌نشده است؛ بنابراین آیاتی که می‌گوید پیامبر اسلام (ص) تورات را قبول دارد، منظورش تورات متداول در عصر نزول قرآن نیست، بلکه تورات حقیقی است. در روایاتی که ائمه (ع) به‌طور مطلق از تورات سخن گفته‌اند یا از محتوای آن خبر داده‌اند، منظور تورات واقعی است. روایات زیر شاهد این مدعا است:

«امام باقر (ع) فرمود: در آن توراتی که تغییر نیافته بود، نوشته است که موسی (ع) از خداوند پرسشی کرده عرض کرد: پروردگارا! آیا تو به من نزدیکی تا با تو آهسته راز گویم یا از من دوری تا فریادت کنم؟ خدای عزوجل به او وحی فرمود: ای موسی من هم‌نشین آن کسم که مرا یاد کند...» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۴۹۶ / جزائری، ۱۴۰۴، ص ۳۰۴). عبارت «در آن توراتی که تغییر نیافته بود» قابل تأمل است و نشان از این مهم دارد که این عبارات از متون از دست‌رفته تورات است به‌خصوص که ردپایی از این مضامین در تطبیق با تورات کنونی یافت نشد پس قطعاً مراد از تورات، اشاره به تورات اصیل است.

«امام باقر (ع) فرمود: در تورات نوشته است، از جمله مناجات خدای عزوجل با موسی بن عمران (ع) این بود که: ای موسی! راز پنهان مرا در باطن خویش پوشیده دار، و در آشکارت سازگاری با دشمن من و دشمن خود را از جانب من اظهار کن و با اظهار راز پنهان سبب دشنام دادن آن‌ها به من مشو تا در دشنام دادن من شریک دشمن خود و دشمن من گردی» (کلینی،

۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۱۷). محتوای این روایت در تورات امروزی موجود نیست. روایات متعددی در این باب وجود دارد که نمونه‌های بیشتر آن در بخش «متون از بین رفته» قابل ملاحظه است.

۳-۲-۲- تورات موجود

الف) اسفار موسی (ع)

در برخی از آیات قرآن در مواجهه با اهل کتاب، به آنچه نزد یهود عصر نزول است نام تورات اطلاق شده، درحالی که کتابی تحریف شده است. علامه بلاغی علت این مطلب را مجازات در استعمال^۱ بیان می‌کند (بلاغی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۵۷). به‌عنوان مثال آیاتی همچون «بگو: اگر راست می‌گویید حکم تورات را آورده، تلاوت کنید» (آل عمران: ۹۳/۳) در مقام احتجاج با اهل کتاب، از خود تورات نزد آن‌ها، طلب دلیل می‌کند.

در سوره مائده به وجود حکم الهی در تورات نزد یهود اشاره می‌کند «و چگونه آن‌ها به حکم تو سر فرود آرند در صورتی که تورات نزد آن‌هاست و حکم خدا در آن است و باین حال از آن روی می‌گردانند؛ چه آنکه اینان به خدا ایمان ندارند» (مائده: ۴۳/۵).

در روایات نیز نام‌گذاری به همین ترتیب است؛ یعنی اهل بیت در جدال با اهل کتاب، از کتب نزد ایشان به تورات و انجیل یاد کرده و این، همان مجازات در استعمال است. به‌عنوان مثال در یکی از مناظرات اهل بیت با اهل کتاب، امام رضا (ع) خطاب به رأس الجالوت می‌فرماید: «تو منکری که تورات می‌گویی: نور از کوه طور سینا آمد و برای ما از ساعیر درخشید و از کوه فاران آشکار شد؟ رأس الجالوت گفت: این کلمات را آشنا هستم اما تفسیر آن‌ها را نمی‌دانم. امام فرمود: من برای تو توضیح می‌دهم. این سخن که نور از طرف کوه طور سینا آمد، همان وحی است که خداوند بر موسی بن عمران در کوه طور سینا نازل کرد و اما اینکه برای ما کوه ساعیر درخشید، همان کوهی است که خداوند به عیسی بن مریم وحی نمود و او در آن کوه بود و اما این گفته که بر ما از کوه فاران آشکار شد، فاران کوهی از کوه‌های مکه است که یک روز با مکه فاصله دارد» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۲۲/ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۶۵). این مفهوم در دعای سمات نیز آمده است (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۴۱۹).

۱. مجازات در استعمال بدین معناست که گوینده در انتقال پیام به مخاطب خویش، با وی همراهی در لفظ کرده و در مقام استعمال، همان لفظی را به کار برد که برای مخاطب قابل فهم باشد.

لازم به ذکر است در تورات کنونی آمده است: «خداوند از کوه سینا آمد، او از کوه ساعیر طلوع کرد و از کوه فاران درخشید» (تثنیه، ۳۳: ۲).

ب) برخی از اسفار عهد قدیم

ائمه (ع) گاهی در برخورد با اهل کتاب به غیر اسفار پنج‌گانه موسی (ع) نیز تورات اطلاق کرده‌اند؛ یعنی برخی دیگر از اسفار عهد قدیم را توسعاً تورات خوانده‌اند. شاهد مدعا اینکه امام رضا (ع) در مواجهه با اهل کتاب از عهد قدیم به تورات یاد کرده‌اند:

«آن حضرت رو به رأس الجالوت کرده فرمود: آیا ماجرای این تعداد از جوانان بنی‌اسرائیل را در تورات دیده‌ای؟ بُخت‌نصر ایشان را از بین اسیران بنی‌اسرائیل که در وقت حمله به بیت‌المقدس اسیر شده بودند برگزیده و به بابل برد، خداوند نیز وی را به سوی ایشان فرستاد و او آنان را زنده نمود، این مطلب در تورات موجود است و هرکدام از شما انکار کند کافر است. رأس الجالوت گفت: این ماجرا را شنیده‌ام و از آن باخبرم» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۱۸/ ابن‌بابویه، ۱۳۹۸، ص ۴۲۲). حمله بُخت‌نصر سال‌ها بعد از حضرت موسی (ع) بوده است ضمن اینکه این کلام امام (ع) در تطبیق با عهد قدیم فعلی، در میان ماجرای است که در سه بخش ابتدایی کتاب دانیال موجود است. (دانیال ۱-۳: سراسر اثر)

گفتنی است حضرت رضا (ع) در همین مناظره در یاد کردن از سخن اشعیای نبی^۱، آن را موجود در تورات بیان می‌کند: «و اشعیای پیامبر طبق گفته تو و دوستانت در تورات گفته است: «دو سوار را می‌بینم که زمین برایشان می‌درخشد، یکی از آنان سوار بر درازگوشی است و آن دیگری سوار بر شتر»، سوار بر درازگوش و سوار بر شتر کیستند؟ رأس الجالوت گفت: آنان را نمی‌شناسم، ایشان را معرفی کن. امام فرمود: آنکه بر درازگوش سوار است، عیسی (ع) است و آن شترسوار محمد (ص)، آیا این مطلب تورات را منکر هستی؟ گفت: نه، انکار نمی‌کنم» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۲۲/ ابن‌بابویه، ۱۳۹۸، ص ۴۲۸).

۱. تلفظ وشکل برخی از اسامی انبیا در منابع یهودی باروایات متفاوت است از جمله اشعیای که قرائت یهودی است و در منابع روایی به صورت اشعیای آمده است.

علامه مجلسی منظور از تورات در این روایت را اسفار ملحق به تورات می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰، ص ۳۱۹). در کتاب اشعیای نبی آمده است: هنگامی که ببیند سواران جفت‌جفت بر الاغ و شتر می‌آیند باید دقت کند (اشعیا، ۲۱: ۷).^۱

۳-۲-۳- نظر قرآن و اهل بیت (ع) درباره تورات موجود

می‌توان نظر قرآن و اهل بیت درباره توراتی که در زمان ظهور اسلام وجود داشته را بدین صورت دسته‌بندی نمود:

الف) مقداری از متون آن‌ها اصلی است؛

ب) قسمتی از مطالب اصیل آن از بین رفته است؛

ج) مقداری از متون غیرالهی به آن اضافه شده است؛

د) در کلیت آن تغییر و تبدلات رخ داده است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۹۳).

الف) متون اصلی

از فحوای برخی از آیات قرآن می‌توان دریافت که قرآن برخی از آموزه‌های تورات عصر نزول را دارای اصالت می‌داند. در سوره مائده آمده است: «و چگونه تو را به داوری می‌گیرند باآنکه تورات نزد آن‌هاست و در آن حکم خدا آمده است؟» (مائده: ۴۳ / ۵). این آیه صراحت دارد که در تورات فعلی، حکم خدا هست. نیز در همین سوره به یکی از احکام فقهی تورات استناد شده است (مائده: ۴۵ / ۵) که مفهوم آیه در تورات فعلی نیز موجود است: «هر که انسانی را بکشد باید کشته شود. هر کس حیوانی را که مال خودش نیست بکشد باید عوض دهد. جان در برابر جان. هر که صدمه‌ای به کسی وارد کند باید به خود او نیز همان صدمه وارد شود. شکستگی در برابر شکستگی، چشم در برابر چشم و دندان در برابر دندان» (لاویان، ۲۴: ۱۷-۲۱؛ خروج، ۲۱: ۲۳-۲۵).

روایات اهل بیت (ع) نیز مانند قرآن بر پاره‌ای از آموزه‌های تورات فعلی صحه می‌گذارد. در تطبیق روایاتی که حاکی از محتوای تورات است و عترت طاهره (ع) آن را گزارش کرده‌اند،

۱. البته در این عبارت عهد قدیم تغییراتی اتفاق افتاده که توضیح آن خواهد آمد.

اکثراً روایاتی در این حوزه جای می‌گیرند که در احتجاجات و مناظرات اهل بیت (ع) با اهل کتاب به آن استناد شده است.

به‌عنوان نمونه از مهم‌ترین مناظرات اهل بیت (ع)، مناظره حضرت رضا (ع) است که مأمون به‌زعم خویش برای غلبه بر امام رضا (ع) آن را ترتیب داد. در آن مجلس، حضرت، خدعه مأمون را به خود او بازگرداند. طرف‌های مناظره امام رضا (ع) از برجسته‌ترین علمای ادیان و مذاهب مختلف و متکلمان مشهور زمان بودند. در این مناظره، رأس الجالوت برای اثبات نبوت پیامبر (ص) از امام رضا (ع) دلیل می‌طلبد. در پاسخ وی آمده است که حضرت رضا (ع) فرمود: «یهودی! می‌دانی که موسی بن عمران بنی اسرائیل را وصیت کرد و به آن‌ها گفت به‌زودی پیامبری خواهد آمد از برادرانتان، او را تصدیق کنید و حرفش را بشنوید؛ برای بنی اسرائیل برادری جز فرزندان اسماعیل سراغ داری؟ اگر آشنا به خویشاوندی اسرائیل با اسماعیل هستی و نژادی که از طرف ابراهیم بین آن‌ها است. رأس الجالوت گفت: این گفتار موسی است، رد نمی‌کنیم. حضرت رضا (ع) فرمود: آیا از برادران بنی اسرائیل پیامبری جز حضرت محمد (ص) آمده است؟ گفت نه. فرمود: پس این مطلب نزد شما قبول است؟ گفت آری» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۲۱/ ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۶۴).

این مطلب در تورات کنونی آمده است که حضرت موسی (ع) خطاب به بنی اسرائیل فرمود: «خداوند به من فرمود پیامبری مانند تو از میان برادران‌شان مبعوث می‌کنم و کلامم را در دهانش قرار می‌دهم و او هر آنچه من به او وصیت می‌کنم، به ایشان خواهد گفت» (تثنیه، ۱۸: ۱۸) ابوجعفر (ع) روایت کند از جابر بن عبدالله که او گفت که من از پیغمبر (ص) شنیدم که می‌فرمود: «در آنچه خداوند عزوجل به موسی (ع) در الواح اول داده بود، آمده است: شکر من و شکر پدر و مادرت را به‌جا آور تا تو را از مواضع تلف حفظ کنم و برای تو در میزان عمرت تأخیر بیندازم و تو را به زندگی پاک، زنده گردانم و به بهتر از آن تبدیل کنم» (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۲۲). در تورات فعلی آمده است: «پدر و مادر خود را احترام کن زیرا این فرمان خداوند، خدای توست. اگر چنین کنی در سرزمینی که خداوند، خدایت به تو خواهد بخشید، عمری طولانی و پربرکت خواهی داشت» (تثنیه، ۵: ۱۶/ خروج، ۲۰: ۱۲).

بخشی از این منقولات در حوزه فقه است. از جمله در اصول فقه بحث می‌شود امکان استصحاب شرایع سابقه است. شیخ انصاری معتقد است استصحاب شرایع سابقه، حجت است گرچه فایده عملی و کاربرد و ثمره‌ای نداشته باشد (انصاری، ۱۴۲۵، ج ۳، صص ۲۲۵-۲۳۲).

از جمله روایاتی که به مضامین فقهی تورات اشاره کرده، احادیث ذیل است: از امیرالمؤمنین (ع) در حدیثی طولانی در برتری این امت بر امت‌های دیگر نقل شده است: «از جمله (برتری‌ها) اینکه قاتل عمد را اگر اولیای مقتول بخواهند، می‌توانند ببخشند و یا اگر بخواهند از او دیه بگیرند، ولی بر اساس [آیین] اهل تورات که همان هم‌کیشان تو هستند قاتل فقط کشته می‌شود و بخشش ندارد و دیه نیز از او گرفته نمی‌شود» (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۴۱۲). در تورات کنونی آمده است: «کسی که در دادگاه محکوم به مرگ شده باشد نمی‌تواند جان خود را بازخیرد نماید، بلکه باید حتماً کشته شود» (لاویان ۲۷: ۲۹، اعداد ۳۵: ۳۱).

روایت دیگری در باب کفالت از امام صادق (ع) منقول است که می‌فرماید: در تورات نوشته شده که کفالت باعث پشیمانی و غرامت است (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۲۱۰/ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۴۲۹).

کفالت نوعی ضمان نسبت به احضار اشخاص است که کفیل متعهد می‌شود مکفوله را در زمان مقرر حاضر کند والا خودش ضامن همه جرائم مکفوله می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۱۵۱) لذا در صورتی که مکفوله حاضر نشود موجب ندامت کفیل و به صورت طبیعی غرامت دادن وی نسبت به همه جرائم او خواهد شد. محقق بحرانی معتقد است آنچه از جمله اخبار برداشت می‌شود، کراهت کفالت و تأکید بر منع آن است (بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۲۱، صص ۶۱-۶۲). در تطبیق این روایت باید گفت: در تورات فعلی (اسفار پنج‌گانه موسی) به چنین مضمونی اشاره نشده است اما در بخش امثال سلیمان عهد عتیق، مضامینی مشابه البته درباره ضمانت وجود دارد: «ضامن آدم غریب نشو چون ضرر خواهی دید اگر می‌خواهی در در دسر نیفتی ضامن کسی نشو» (امثال سلیمان، ۱۱: ۱۵)؛ نیز: «ای پسرم اگر ضامن کسی شده‌ای و تعهد کرده‌ای که او قرضش را پس بدهد، با این تعهد خود را گرفتار ساخته‌ای، تو در واقع اسیر او هستی و باید هر چه زودتر خود را از این دام رها سازی. پس فروتن شو و نزد او برو و از او خواهش کن تا تو را از قید این تعهد آزاد سازد» (امثال سلیمان، ۶: ۱-۳). همچنین آمده است: «ضامن دیگری نشو و تعهد نکن که او قرض خود را پس دهد. زیرا اگر مجبور به پرداخت قرض او شوی و نتوانی آن را پردازی، رختخوابت را از زیرت بیرون می‌کشد» (امثال سلیمان، ۲۲: ۲۶-۲۷).

ب) متون از بین رفته

قرآن کریم می‌فرماید: «آیا کسانی را که نصیبی از کتاب یافته‌اند ندیدی که چون به کتاب خدا فراخوانده می‌شوند تا میانشان حکم کند، گروهی از آنان به حال اعراض، پشت می‌کنند؟»

(آل عمران: ۲۳ / ۳) این آیه شاهدهی است بر اینکه بخشی از کتب اهل کتاب از دست رفته است. علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌فرماید: «و مراد از کسانی که نصیبی از کتاب دارند همان اهل کتاب‌اند و اگر نفرمود: «الذین اوتوا الكتاب...» و به جای آن فرمود: ﴿أوتوا نصيباً من الكتاب﴾ برای این بود که بفهماند آن مقدار اطلاعی که از کتاب دارند همه معارف کتاب نیست بلکه مقداری از آن است و این بدان جهت است که همه کتاب خدا در دستشان نیست. کتاب خدایی که در دست دارند تحریف شده است و در آن دخل و تصرف نموده و بیشتر اجزایش را از بین برده بودند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۲۴).

و یا در جایی که در مذمت اهل کتاب می‌فرماید قسمتی از آن را آشکار و قسمت عمده آن را پوشیده می‌دارند: «بگو: چه کسی آن کتابی را که موسی آورده نازل کرد؟ که برای مردم نور و هدایتی بود، اما شما آن را به صورت پراکنده در کاغذها قرار داده، [قسمتی را] آشکار و بسیاری را کتمان می‌کنید» (انعام: ۶ / ۹۱).

اهل بیت (ع) در بخشی از آموزه‌های خویش به فرازهایی از متون از بین رفته تورات اشاره کرده‌اند. این روایات در حوزه‌های موضوعی متنوعی مانند اعتقادی، فقهی، اخلاقی و... قرار دارند. احادیث زیر نمونه‌هایی از آن است. لازم به ذکر است که نگارنده مضمون این روایات را با تورات فعلی تطبیق داده و اثری از آن نیافته است.

ب ۱- موضوعات اعتقادی

۱. امام صادق (ع) فرمود: «در تورات نوشته است: ای آدمیزاد! تنها به عبادت من پرداز تا دلت را از بی‌نیازی پر کنم و نسبت به خواسته‌ات تو را به خودت وانگذارم، و بر من است که نیاز را از تو بردارم و دلت را از ترس خود پُر کنم، و اگر برای عبادت خود را فارغ نسازی، دلت را از گرفتاری دنیا پُر کنم، سپس در نیاز را به رویت نبندم و تو را با خواسته‌ات واگذارم» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۸۳)

۲. امام صادق (ع) فرمود: «از جمله آنچه خدا به حضرت موسی (ع) وحی فرمود و در تورات بر او نازل شد این بود که: همانا منم خدا که جز من شایسته پرستشی نیست، مخلوق را آفریدم و نیکی را آفریدم و آن را به دست هر که دوست داشتم جاری ساختم، خوشا به حال آنکه نیکی را به دست او جاری ساختم. منم خدائی که نیست شایسته پرستشی جز من، خلق را آفریدم و بدی را آفریدم و آن را به دست هر که اراده کردم جاری ساختم. وای بر آنکه بدی را به دست او جاری ساختم» (همان، ج ۱، ص ۱۵۴/ برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۸۳).

ب ۲- موضوعات فقهی

۱. امام صادق (ع) می‌فرماید: «در تورات نوشته است کسی که زمین یا آبی را بفروشد اما ارزش آن را در زمین یا آب دیگری قرار ندهد، ارزش آن از بین می‌رود». (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۹۱/ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۷۰/ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۳۸۷).
۲. امام صادق (ع) فرمود: «در تورات آمده که هدیه، چشم را از دیدن نادرستی‌ها می‌بندد» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۹۹).

ب ۳- موضوعات اخلاقی

۱. امام صادق (ع) فرمود: «در تورات نوشته است آدمیزاد! هرگونه خواهی باش که چنان‌که باشی جزا بینی؛ هر که به روزی اندک خدا راضی شود، خدا عمل اندک او را بپذیرد و هر که به حلال اندک خشنود باشد هزینه‌اش سبک شود و کسبش پاکیزه گردد و از مرز بدکاری بیرون رود» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۳۸).
۲. امام باقر (ع) فرمود: «در تورات نوشته است ضمن آنچه خداوند عزوجل با موسی (ع) راز گفت، فرمود: ای موسی! جلو خشم را از هر که من تو را بر او مسلط کردم بگیر تا من هم جلو خشم خودم را از تو بگیرم» (همان، ج ۲، ص ۳۰۳).

ج) متون افزوده

در سوره بقره ضمن نقل حال یهود آمده: «و گروهی از آنان افراد عامی هستند که کتاب خدا را جز یک مشت اوهام و آرزوها چیزی نمی‌دانند، و اینان پایبند پندارند. پس وای بر آن‌ها که کتاب را با دست‌های خود می‌نویسند و سپس می‌گویند: این از جانب خداست تا آن را به بهای ناچیزی بفروشند. وای بر آن‌ها از دست‌نوشته‌هاشان و وای بر آن‌ها از آنچه کسب می‌کنند» (بقره: ۷۸-۷۹).

این آیه به صراحت روشن می‌کند که علمای یهود چیزهایی می‌نوشتند و آن را به خدا نسبت می‌دادند و عوامشان نیز آن‌ها را باور می‌کردند. پیدا کردن این قسم از مطالب در تورات کار پیچیده‌ای نیست و هر عقل سلیمی با مطالعه عهدین به این نتیجه می‌رسد که صدور برخی از این مطالب، از یک انسان عادی بعید است چه رسد به اینکه این سخن، الهی و از ناحیه پروردگار باشد. شاید به‌طور مستقیم این بخش‌های عهدین توسط اهل بیت رد نشده باشد اما با منطقی ایشان در سایر روایاتشان می‌توان چنین مطالبی را از متون افزوده به یک کتاب آسمانی برشمرد. تجسیم

خداوند (پیدایش، ۳۲: ۲۲-۳۱) و یا انتساب اعمال زشت به ساحت مقدس انبیا (ع) (پیدایش، ۹: ۲۰-۲۱) نمونه‌هایی است که در تورات کنونی موجود است درحالی‌که تجسیم خدا توسط اهل بیت شدیداً انکار شده است. شیخ کلینی در چند باب مجزا، روایات متعددی در نفی تجسیم و رؤیت جسمی خدا آورده است: «باب ابطال رؤیت خداوند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۹۵)؛ «باب نهی از جسم و صورت خدا» (همان، ص ۱۰۴)؛ «باب نهی از وصف خدا مگر به آنچه خودش را توصیف کرده است» (همان، ص ۱۰).

عصمت انبیا نیز از گزاره‌هایی است که در روایات بدان توجه ویژه‌ای شده است. تا آنجا که مجلسی بابتی را به‌عنوان «عصمت انبیا (ع)» اختصاص داده است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۱، ص ۷۲). با ملاحظه این قسم روایات که تعداد آن فراوان است، می‌توان حکم کرد که این مطالب مخالف منطق اهل بیت است.

د) متون تحریفی

این بخش ناظر به مطالبی از تورات است که معنای کلام از جایگاه اصلی منحرف شده است. این تحریف ممکن است با تغییر جزئی الفاظ و یا جابجایی اندک کلمات اتفاق افتاده باشد و یا بدون تغییر الفاظ، تفسیر شفاهی آن به گونه دیگری ارائه شده باشد که مخاطب به غرض گوینده پی نبرد. انعکاس وقوع این نوع تحریف از طرف یهود را می‌توان در این آیه دید:

«کلمات را از جایگاه‌های خود تحریف می‌کردند و بخشی از آنچه را به آن‌ها گوشزد شده بود فراموش کردند و تو همواره به خیانت [تازه‌ای] از ایشان آگاه می‌شوی» (مائده: ۱۳/۵).

در روایات یا به‌صراحت به وقوع این نوع تحریف اشاره شده و یا از مقایسه روایتی که اهل بیت از محتوای تورات داشته‌اند با تورات کنونی می‌توان به این مطلب رسید. بر این اساس می‌توان تغییرات تورات را در دو بازه زمانی تعریف کرد: یکی تحریفات عصر پیامبر (ص) و ائمه (ع) و دیگری تحریفات پس از ایشان.

د-۱) تحریفات عصر پیامبر (ص) و اهل بیت

برخی شواهد نشان می‌دهد که تورات عصر پیامبر (ص) دچار دگرگونی‌هایی شده است. این تغییرات، بیشتر مربوط به بشاراتی است که در مورد نبی خاتم (ص) در عهدین بوده و یهود را در انتظار تحقق این وعده به حجاز کشانده بود.

از حضرت باقر (ع) روایت شده است که در مورد آیه ﴿وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بِعَضُّهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾^۱ (بقره: ۷۶/۲) فرمودند: گروهی از یهودیان، دشمن سرسخت و مخالف جدی اسلام نبودند. این گروه وقتی به مسلمانان برخورد می‌کردند مشخصات حضرت محمد (ص) را که در تورات می‌یافتند برای آن‌ها بازگو می‌کردند. علما و رهبران یهود ایشان را از این عمل نهی کرده و به آن‌ها می‌گفتند: شما مشخصات حضرت محمد (ص) را از روی تورات برای مسلمانان نقل می‌کنید ﴿لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ﴾ تا با شما به مبارزه برخیزند نزد پروردگارتان و استدلال نمایند؛ این آیه به همین جهت نازل شد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۸۶/بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۵۵)؛ بنابراین برخی از یهودیان معاند دست به تفسیر و تأویل تعالیم تورات زده و مقصود آن بشارات را به غیر از پیامبر (ص) مربوط ساختند.

البته عده‌ای بر این باورند که تورات و انجیل کنونی همان تورات و انجیل زمان پیامبر (ص) است و معتقدند نسخه‌هایی از تورات و انجیل چند قرن قبل از اسلام موجود است و آن نسخه‌ها با کتاب‌های موجود مطابق است. پس باید نتیجه گرفت که تورات و انجیل موجود در زمان پیامبر اسلام (ص) همین کتاب‌های کنونی بوده است و هرگز نمی‌توان ادعا کرد که این کتاب‌ها بعد از اسلام تغییر کرده‌اند (سلیمانی، ۱۳۸۱، ص ۵۰).

در این موضوع که ساختار تورات کنونی با ساختار تورات دوران پیامبر (ص) یکی است، تردیدی نیست اما قطعاً در جزئیات یا تفسیر کلمات تغییراتی اتفاق افتاده است همان‌طور که آیه و روایت مؤید این مطلب گذشت و شواهد بیشتری نیز در ادامه خواهد آمد.

د-۲) تحریفات پس از عصر اهل بیت (ع)

از مقایسه برخی منقولات اهل بیت با تورات فعلی می‌توان دریافت که برخی مطالب تورات از جایگاه اصلی‌اش منحرف شده است. درواقع در زمان ائمه جزء متون تحریفی نبوده است

۱. زمانی که با مؤمنان دیدار کنند، گویند ایمان آوردیم و زمانی که با همدیگر خلوت کنند، گویند با مسلمین از آنچه خدا برایتان گشوده گفتگو می‌کنید تا به وسیله آن در پیشگاه پروردگارتان با شما احتجاج نمایند؟ آیا به عقل نمی‌آیید؟!

چون استناد اهل بیت توسط اهل کتاب مخاطب ایشان تایید شده است بلکه مقایسه روایت با متن فعلی تورات، این تحریف را روشن می‌کند.^۱

حضرت رضا (ع) در مناظره خویش با سران ادیان مذاهب خطاب به رأس الجالوت فرمودند: و شعیای پیامبر طبق گفته تو و دوستانت در تورات گفته است: «دو سوار را می‌بینم که زمین برایشان می‌درخشد، یکی از آنان سوار بر درازگوشی است و آن دیگری سوار بر شتر»، سوار بر درازگوش و سوار بر شتر کیستند؟ رأس الجالوت گفت: آنان را نمی‌شناسم، ایشان را معرفی کن، امام فرمود: آنکه بر درازگوش سوار است، عیسی است و آن شترسوار محمد (ص). آیا این مطلب تورات را منکر هستی؟ گفت: نه انکار نمی‌کنم (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۲۲). در کتاب اشعیای نبی آمده است: هنگامی که ببیند سواران جفت جفت بر الاغ و شتر می‌آیند باید دقت کند (اشعیا، ۲۱: ۷).

علامه بلاغی با ملاحظه متن عبری کتاب مقدس، به تحریف در ترجمه این عبارت کتاب اشعیا اشاره می‌کند: «ترجمه‌های کتاب مقدس و مترجمان آن‌ها اغراضی داشتند که آن‌ها را وادار به تحریف واضح و مفتضحانه می‌کند که تحریف در فصل ۲۱ کتاب اشعیای نبی از آن جمله است: «زوج فرسان راکب حمار و راکب جَمَل: دو سوار یکی سوار بر الاغ و دیگری سوار بر شتر» که آن را به این عبارت تحریف کرده‌اند: «أزواج فرسان راکب حمیر و راکب جمال: زوج‌های سواره، سواران بر الاغ و سواران بر شتر» (بلاغی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۹۱)

در ادامه درباره علت این تحریف آمده است: «این کلام در کتاب اشعیای نبی به نبوت فائقه و ریاست دینی اشاره دارد چراکه مسلمین می‌گویند که سوار بر الاغ، عیسی مسیح (ع) است و شترسوار، محمد (ص)، پیامبر مسلمانان است و بعضی از قوم یهود ابا داشتند که این تشبث برای مسلمین باشد لذا آن را به راکب الجَمَل (به جای راکب الجَمَل) تحریف کردند» (همان، ص ۹۲). این مقایسه نشان می‌دهد که این عبارت کتاب مقدس در زمان امام رضا (ع) تحریف نشده بوده، به‌خصوص که در پایان روایت، این مطلب از طرف رأس الجالوت تأیید شده است.

در بخش دیگری از همین مناظره آمده است: سپس امام رضا (ع) (به رأس الجالوت) فرمود: «حقوق پیامبر را می‌شناسی؟ گفت آری او را می‌شناسم. فرمود: آن پیامبر سخنی را می‌فرماید که کتاب شما نیز شاهد آن است: «خداوند بیان را از کوه فاران آورد و آسمان‌ها از تسبیح احمد و

۱. دو روایتی که در ادامه مطلب نقل خواهد شد، به‌رغم اینکه ناظر به غیر اسفار پنج‌گانه است به این دلیل آمده که همان‌طور که گذشت اهل بیت به سایر اسفار عهد قدیم نیز لفظ تورات اطلاق کرده‌اند.

امتش پر شده است. سپاهش در دریا حرکت می‌کند، طوری که در صحرا حرکت می‌کند. بعد از خراب شدن بیت المقدس برای ما کتابی جدید می‌آورد». منظور قرآن است، آیا این را قبول داری و ایمان به آن می‌آوری؟ رأس الجالوت گفت این مطلب را حقیق گفته است منکر آن نیستم» (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۴۲۸).

بخشی از این مطلب در باب سوم از کتاب حبقوق^۱ نبی در عهد قدیم کنونی آمده است که البته این بخش، جزء متون اصیل تورات است: «خدا از تیمان^۲ آمد و قدوس از جبل فاران. جلال او آسمان‌ها را پوشانید و زمین از تسبیح او مملو گردید. پرتو او مثل نور بود و از دست وی شعاع ساطع گردید و ستر قوت او در آنجا بود» (حبقوق نبی، ۳: ۳).

البته در ترجمه کتاب مقدس مطالب این بخش به گونه‌ای ترجمه شده که گویا به جای پیامبر به خدا برمی‌گردد. در ترجمه جدید تفسیری کتاب مقدس، این عبارت به طور مفتضحانه‌ای تغییر یافته: (خدا را می‌بینم که از کوه سینا می‌آید)؛ نیز مطالبی که مربوط به امت پیامبر و یا بشارت به کتاب جدید است و در روایت امام رضا (ع) آمده، تحریف شده است.

در تطبیق این عبارت امام رضا (ع) «سپاهش در دریا حرکت می‌کند، طوری که در صحرا حرکت می‌کند» باید گفت احتمالاً این همان عبارت کتاب حبقوق است: «با اسبان خود بر دریا و بر انبوه آب‌های بسیار خرامیدی» (حبقوق نبی، ۳: ۱۵) که در گذر زمان مخدوش شده است. گزارش قطب راوندی از عین الفاظ تورات که در قرن ششم می‌زیسته، با سخن امام رضا (ع) قابل تطبیق است (راوندی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۷۵). کسی که امروز، این فراز از کتاب حبقوق را می‌خواند بشارتی از یک پیامبر را در آن نمی‌یابد؛ برای این ناهمگونی دو حالت متصور است:

- جایگاه کلام از معنای اصلی منحرف شده است که با تغییر، حذف یا جابجایی کلمات و یا عبارات صورت پذیرفته است.

- نسخه‌های عهدین اهل کتاب مخاطب قرآن و اهل بیت متفاوت بوده و مطالبی افزون‌تر داشته است.

۱. حبقوق در منابع روایی به صورت حقیق آمده است.

۲. در اینکه واژه تیمان در این عبارت به چه معناست آمده است: تیمان و تیما، صحرای جنوبی؛ قبیله‌ای از اسماعیلیان و از اولاد «تیمما» بودند که در بلاد عرب سکونت داشتند؛ فعلاً هم در میان دمشق و مکه قریه‌ای است که آن را تیما گویند. تیمان هم همان صحرای جنوبی است (هاکس، ۱۳۷۷، ص ۲۷۱).

به‌هرحال در هر دو صورت غرض ما در اثبات تحریف، حاصل است چون حتی در فرض دوم، اختلاف نُسَخ در این حد، ناشی از کاستی یا فزونی مطلبی است که همان تحریف است. ابن طاوس در کتاب سعد السعود با ذکاوتی خاص، بعضی عبارات کتبی که در اختیارش بوده را نقل کرده است. وی این عبارات را با عین الفاظ گزارش کرده است. از جمله این کتب، تورات، انجیل (ابن طاوس، بی تا، ص ۵۳)، زبور (همان، ص ۴۷) و صحف ادريس (همان، ص ۳۲) است. از تطبیق مواردی که وی از تورات گزارش کرده، می‌توان دریافت پنج سفر تورات به همین ترتیب کنونی است اما ترتیب اصحاح^۱ درون آن متفاوت است. از تطبیق این مطالب با تورات کنونی ادامه سیر تحریف تا امروز را می‌توان مشاهده کرد. متن سید بن طاوس با متن عربی تورات فعلی مقابله می‌شود تا تفاوت‌ها بهتر روشن گردد.

سید بن طاوس در عبارتی که داستان حضرت ابراهیم (ع) و دادن اسماعیل به وی را از تورات گزارش می‌کند، این‌گونه آورده است:

«وَإِنْ سَارَةَ امْرَأَةً إِبْرَاهِيمَ لَمْ يَكُنْ يَلِدُ لَهَا وَلَدًا كَانَتْ لَهَا أُمَّةٌ مِصْرِيَّةٌ اسْمُهَا هَاجِرٌ... فَقَالَ لَهَا مَلَأُكَ الرَّبُّ أَنْطَلِقِي إِلَيَّ سَيِّدَتِكَ وَتَعْبُدِي لَهَا ثُمَّ قَالَ لَهَا مَلَأُكَ الرَّبُّ ابْنَكَ حَبْلِي وَتَلْدِينَ ابْنًا وَقَدْ عَيْنَ اسْمَهُ إِسْمَاعِيلَ لِأَنَّ الرَّبَّ قَدْ عَرَفَ ذَلِكَ بِخُضُوعِكَ وَيَكُونُ ابْنُكَ هَذَا حَسَنٌ عِنْدَ النَّاسِ وَيُدُّهُ عَلَيَّ كُلِّ يَدٍ» (همان، ص ۴۱)

تمامی این عبارات در تورات فعلی نیز آمده به‌جز عبارتی که مشخص شده است که به‌صورت مفتضحانه‌ای تحریف گردیده است. عبارت تورات فعلی بدین شرح است:

«وَأَمَّا سَارَى امْرَأَةُ إِبْرَاهِيمَ فَلَمْ تَلِدْ لَهُ. وَكَانَتْ لَهَا جَارِيَةٌ مِصْرِيَّةٌ اسْمُهَا هَاجِرٌ... وَقَالَ لَهَا مَلَأُكَ الرَّبُّ تَكْتِيرًا أَكْثَرَ نَسْلِكَ فَلَا يَعِدُ مِنَ الْكَثْرَةِ. وَقَالَ لَهَا مَلَأُكَ الرَّبُّ هَا أَنْتِ حَبْلِي فَتَلْدِينَ ابْنًا. وَتَدْعِينَ اسْمَهُ إِسْمَاعِيلَ لِأَنَّ الرَّبَّ قَدْ سَمِعَ لِمَذَلَّتِكَ. وَإِنَّهُ يَكُونُ إِنْسَانًا وَحْشِيًّا. يَدُّهُ عَلَيَّ كُلِّ وَاحِدٍ وَيُدُّ كُلَّ وَاحِدٍ عَلَيَّ. وَأَمَامَ جَمِيعِ إِخْوَتِهِ يَسْكُنُ» (پیدایش ۱۶: ۱-۱۲)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود الفاظ بسیار به یکدیگر نزدیک هستند اما بخش پایانی در نقل سید بن طاوس در مقام بشارت به مولودی است که بین مردم نیکوست و صاحب قدرت خواهد شد و مطابق سیاق بشارت است اما در تحریف تورات فعلی، معنای این عبارت این‌گونه خواهد بود: فرشته خداوند وی را گفت اینک حامله هستی و پسری خواهی زایید و او را اسماعیل نام

۱. به هریک از فصول کتاب‌های تورات و انجیل گفته می‌شود که تقریباً معادل سوره برای قرآن است.

خواهی نهاد زیرا خداوند تظلم تو را شنیده است و او مردی وحشی خواهد بود. دست وی به ضد هر کس و دست هر کس به ضد او و پیش روی همه برادران خود ساکن خواهد بود. یکی از دلایل این تحریف آن است که یهود به دلیل اینکه پیامبر (ص) از نسل اسماعیل (ع) است، از اثبات هرگونه مدحی برای اسماعیل ابا دارند. این شواهد بیانگر این است که تورات حتی در دوران پس از پیامبر و ائمه (ع) نیز تغییراتی کرده و هر آنچه در بشارت پیامبر (ص) بوده است به نوعی مصداق تحریف جایگاه کلام در آیه ﴿مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ﴾^۱ (نساء: ۴/ ۴۶) شده است.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه آمد می توان نتایج زیر را برشمرد:

- ۱- تورات از منظر یهودیان، کتابی است که توسط حضرت موسی (ع) نوشته شده و منشأ آن وحی هایی است که بر حضرت موسی (ع) شده است؛ یعنی از نظر آنان وجود یک کتاب برای حضرت موسی (ع) اثبات شده است و الواحی که بر موسی (ع) نازل شده، بخشی از تورات است. برخی از اندیشمندان غربی معتقدند تورات فعلی، سالها بعد از موسی (ع) نوشته شده و تورات اصلی موسی (ع) در میان این تورات، جای گرفته است.
- ۲- در دیدگاه اهل بیت (ع) تورات کتابی است که به طور دفعی بر حضرت موسی (ع) نازل شده است و الواح موسی (ع) همان تورات موسی (ع) بوده و در میقات به او اعطا گردیده است.
- ۳- واژه «تورات» در قرآن و روایات، هم ناظر بر تورات حقیقی است و هم از باب مجازات در استعمال، به اسفار موسی (ع) که نزد یهود آن دوران بوده، اطلاق شده است. در برخی روایات، بعضی از اسفار دیگر عهد قدیم نیز تورات خوانده شده است.
- ۴- ساختار و شکل تورات زمان اهل بیت مانند همین تورات فعلی است؛ اما با جزئیاتی بیشتر. بر اساس روایات و گزارش هایی از علما، تغییراتی در تورات، حتی پس از عصر پیامبر (ص) نیز اتفاق افتاده است.

۱. برخی از کسانی که یهودی اند، حقایق [کتاب آسمانی] را از جایگاه های اصلی و معانی حقیقی اش تغییر می دهند.

۵- شیوه اهل بیت (ع) رد یا پذیرش کامل تورات فعلی نیست، بلکه برخی از آموزه‌های آن را الهی دانسته و در اثبات حقانیت دین اسلام بدان استناد کرده‌اند و در گامی فراتر، بخش‌هایی از تورات اصلی را که در دست نیست، گزارش کرده‌اند.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

۱. آلوسی، سید محمود؛ *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
۲. ابن طاوس، علی بن موسی؛ *الاقبال بالاعمال الحسنه*؛ ج ۲، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۶۷ ش.
۳. —؛ *سعد السعود*؛ قم: دار الذخائر، بی تا.
۴. ابن منظور؛ *لسان العرب*؛ قم: ادب حوزہ، ۱۴۰۵ ق.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی؛ *التوحید*؛ قم: جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ، ۱۳۹۸ ق.
۶. —؛ *علل الشرائع*؛ قم: داوری، بی تا.
۷. —؛ *عبون أخبار الرضا (ع)*؛ تهران: جهان، ۱۳۷۸ ش.
۸. —؛ *من لا یحضره الفقیه*، ج ۳، قم: جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ، ۱۴۱۳ ق.
۹. اربلی، علی بن عیسی؛ *کشف الغمہ*؛ تبریز: مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ش.
۱۰. اسپینوزا، باروخ؛ «*مصنف واقعی اسفار خمسہ*»؛ ترجمہ: علیرضا آل بویہ، مجلہ ہفت آسمان، ش ۱، ۱۳۷۸ ش.
۱۱. انصاری، مرتضی، *فرائد الاصول*، ج ۶، قم: مجمع فکر الاسلامی، ۱۴۲۵ ق.
۱۲. بحرانی، سید ہاشم؛ *البرهان فی تفسیر القرآن*؛ تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
۱۳. بحرانی، یوسف؛ *الحدائق الناضرة*؛ قم: جامعہ مدرسین، ۱۳۶۳ ش.
۱۴. برقی، احمد بن محمد؛ *المحاسن*؛ ج ۲، قم: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ق.
۱۵. بلاغی، محمدجواد؛ *الرحلة المدرسیة*؛ ج ۲، بیروت: دار الزہراء، ۱۴۱۴ ق.
۱۶. توفیقی، حسین؛ *آشنایی با ادیان بزرگ*؛ ج ۵، تهران: سمت، ۱۳۸۱ ش.
۱۷. جزائری، سید نعمت اللہ؛ *قصص الانبیاء*؛ قم: کتابخانہ آیت اللہ مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
۱۸. دیلمی، حسن بن محمد؛ *ارشاد القلوب*؛ بی جا: شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
۱۹. راوندی، قطب الدین؛ *الخرائج و الجرائح*؛ قم: موسسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق.
۲۰. سلیمانی، عبدالرحیم؛ «*قرآن کریم و بشارت های پیامبران*»؛ مجلہ ہفت آسمان، ش ۱۶، ۱۳۸۱ ش.
۲۱. —؛ *یہودیت*؛ قم: انتشارات آیات عشق، ۱۳۸۲ ش.
۲۲. شاہاک، اسرائیل؛ *تاریخ یہود، آیین یہود (سابقہ سہ ہزار سالہ)*؛ ترجمہ: رضا آستانہ پرست، تهران: قطره، ۱۳۷۸ ش.
۲۳. شبلی، احمد؛ *مقارنۃ الأديان (اليهودية)*؛ ج ۳، قاہرہ: مکتبۃ النهضة المصریة، ۱۹۷۳ م.
۲۴. شہید ثانی، زین الدین بن علی؛ *شرح اللمعة*؛ قم: داوری، ۱۴۱۰ ق.
۲۵. طباطبائی، سید محمدحسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ ترجمہ: سید محمدباقر موسوی ہمدانی، ج ۵، قم: جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ، ۱۴۱۷ ق.

۲۶. طبرسی، احمد بن علی؛ *الاحتجاج علی أهل اللجاج*؛ مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن؛ *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*؛ ج ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن؛ *تهذیب الاحکام*؛ ج ۴، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۵ ش.
۲۹. —؛ *مصباح المتعجد*؛ بیروت: مؤسسة فقه الشیعة، ۱۴۱۱ ق.
۳۰. ظفر الاسلام خان؛ *نقد و نگرشی بر تلمود*؛ ترجمه: محمدرضا رحمتی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
۳۱. قرشی، سید علی اکبر؛ *قاموس قرآن*؛ ج ۶، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ ش.
۳۲. *الکتاب المقدس*؛ بی جا: دار الکتب المقدس، ۱۹۸۰ م.
۳۳. *کتاب مقدس (ترجمه قدیم)*؛ ج ۳، انگلستان: ایلام، ۲۰۰۲ م.
۳۴. کفعمی، ابراهیم بن علی؛ *البلد الامین*؛ بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۸ ق.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی*؛ ج ۴، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۵ ش.
۳۶. مجلسی، محمدباقر؛ *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*؛ ج ۴، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۳۷. میشل، توماس؛ *کلام مسیحی*؛ ترجمه: حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷ ش.
۳۸. هاکس، مستر؛ *قاموس کتاب مقدس*؛ تهران: اساطیر، ۱۳۷۷ ش.